



## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی (قالی بافی و نگارگری)

پدیدآورده (ها) : افروغ، محمد؛ صفری، رضا  
تاریخ :: تاریخ پژوهی :: بهار 1391 - شماره 50  
از 161 تا 188

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1226259>

دانلود شده توسط : کاربر عمومی دانشگاه دولتی اصفهان  
تاریخ دانلود : 27/06/1396

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تالیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابراین، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [فوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

[www.noormags.ir](http://www.noormags.ir)

## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی

### (قالی بافی و نگارگری)

#### چکیده

تاریخ ایران در سراسر دوران اسلامی تا قبل از روی کار آمدن صفویه به جز برهه ای کوتاه در زمان آل بویه هیچگاه شاهد حاکمیت دولتی شیعی مذهب نبوده است. در حقیقت می توان گفت پس از ۹ قرن از زمان ورود اسلام به ایران و با روی کار آمدن صفویان می توانیم شاهد احیای هویت ملی و همچنین حاکمیت مذهب تشیع در ایران باشیم. این رابطه بین شیعه و فرهنگ ایرانی بسیار قوی بود. در دوران صفوی «مذهب» نقش مهمی در روند مطالعه فرهنگ و هنر داشت طبعاً از این رهگذر مقوله هنر نیز از تغییرایدئولوژی و تحولات اجتماعی که در عصر صفوی رخ داده بود بی بهره نماند. در این میان هنرمندان ایرانی هم سعی کردند که اندیشه و تفکر و عناصر شیعی و ارادت به خاندان پیامبر(ص) و ائمه اطهار و مخصوصاً شخص علی بن ابیطالب (ع) را در موضوعاتی همچون حادثه کربلا؛ معراج پیامبر و... که در حوزه تفکر شیعی بود را در هنر و آثار هنری خود منعکس کنند. نکته قابل توجه این است؛ که در زمان حاکمیت صفویان ارتباط بین هنر و دین به خوبی پایه گذاری شده بود. در این دوران متون خطی مصور؛ بناهای معماری و مصنوعات هنری همگی بازگو کننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی های این عصر به شمار می رود.

این مقاله بر آن است تا مذهب و عناصر مذهبی غالب در دوران صفوی را با رویکرد به هنر قالی بافی؛ نقاشی ایرانی (نگارگری)؛ که در هنر این دوران منعکس شده است را با نگاهی تاریخی بازگو نماید.

کلیدواژه‌ها: صفویه، مذهب شیعه، قالیبافی، نگارگری.

دوران صفوی نقطه عطفی در تاریخ ایران به شمار می رود و از آن می توان به عنوان شروع مرحله جدیدی در تاریخ ایران یاد کرد؛ پس از آن که صفویان قدرت را به دست گرفتند مذهب رسمی ایران را به شیعه تغییر دادند. سلسله صفوی به لحاظ تاریخی و هنری که موضوع بحث ماست بسیار مهم و قابل تأمل است. دلایلی که در این زمینه وجود دارد از آن جمله می توان چنین برشمرد که: صفویان قبل از هر چیز ایرانی بودند و نخستین دولت مستقل در ایران را برای نخستین بار بعد از سقوط امپراطوری ساسانی پدید آوردند. مذهب تشیع را برای اولین بار در ایران رسمیت و تثبیت بخشیدند [بسیاری بر این عقیده هستند که با این کار در واقع می خواستند کسب مشروعیت کنند] و همچنین بین تصوف و تشیع و سیاست پیوند برقرار کردند و مهمتر از همه اینکه احیاء کننده مرزهای سنتی و بسیاری از عناصر و ارزش های ایران باستان بودند که بعد از حمله اعراب به دست فراموشی سپرده شده و از بین رفته بودند. از این میان می توان به نظام پادشاهی و سلطنتی و همچنین بازگو کردن بحث فره ایزدی و... اشاره داشت. در حقیقت «صفویان از یک طرف نسب خود را به امام موسی کاظم (ع) می رساندند و از طرف دیگر نیز خود را از تبار یزدگرد سوم ساسانی آخرین پادشاه این سلسله می دانستند»<sup>۱</sup>.

دوره صفوی را عهد هنر طلایی ایران می گویند که به راستی این نام گذاری در مورد هنرهای تزئینی و کاربردی همچون آثار فلزکاری؛ قاللیافی؛ نگارگری؛ خوشنویسی؛ معماری و... مصداق دارد. در این اثنا بر اثر توجه شاهان صفوی مراکز هنری زیاد شد و رشته های مختلف هنری به اوج خود رسید. در این دوره هنر دارای صلابت و یکپارچگی و مهارت استادی منحصر به فردی است که در دوران پس از صفویه کمتر به چشم می خورد. در این دوره برخی از سنت های هنری مغول کنار

۱- سیوری، راجر. (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز، ص ۲۴.

## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۶۳

رفت و تلاش برای دست ساخته های نوینی همراه با ایدئولوژی و جهان بینی جدید به جهان تشیع عرضه شد. به ویژه در زمان شاه عباس؛ هنرهای این عهد به حد اعلای شکوفایی خود دست یافت. تداوم و عمر طولانی این سلسله و استحکام جنبه



های مذهبی و فرهنگی موجب تقویت و تحکیم سنت هنری آن گردید.<sup>۱</sup> در دوران صفوی «مذهب» نقش مهمی در روند مطالعه فرهنگ و هنر داشت. عناصر شیعی ناگهانی و بدون سلسله مراتب هنری به وجود نیامدند. نکته قابل توجه این است که «در زمان حاکمیت صفویان ارتباط بین هنر

و قوانین دینی به خوبی پایه گذاری شده بود. در این دوران متون خطی مصور؛ بناهای معماری و مصنوعات هنری همگی بازگو کننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی های این عصر به شمار می رود»<sup>۲</sup> همان طور که گفته شد در این مقاله قصد بر آن است تا عنصر مذهب را در هنر عصر صفوی بازبینی کنیم البته از نگاه و زاویه «تاریخی» و «سیر تاریخی» این هنرها.

### سیر تاریخی [هنر - صنعت] قالی بافی

#### دوره هخامنشی

«درخصوص تاریخ بافت قالی؛ اطلاع دقیقی در دست نیست و قدیمی ترین نمونه موجود به حدود دوهزاروپانصد سال پیش برمی گردد، که بر اساس گفته «پروفیسور

۱- فراست، مریم. (۱۳۸۴). بررسی مضامین و خط نگاره های شمعدانها و قندیل های دوره صفوی. موزه ملی. دو

فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی. شماره سوم، ص ۶۱.

۲- شریعت، زهرا. (۱۳۸۶). حضور نمادین امام علی در خط نگاره های فلز کاری صفویه و قاجاریه. دو فصلنامه

علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی. شماره ششم، ص ۴۵.

رودنکو» باستان شناس روسی در سال ۱۳۲۷ شمسی از گورهای یخ زده یکی از شاهان «سکایی» در آلتای مغولستان نزدیک نواحی جنوبی سیبری به دست آمده و به نام فرش «پازیریک» شهرت یافته است. این قالیچه به ابعاد ۱۸۳×۲۱۰ سانتیمتر است. قسمت بیرونی حاشیه نقش تکراری کوچکی از جانوری افسانه ای و بالدار و پس از آن یک ردیف سوار که یک در میان ایستاده و سوار بر اسب نشان داده شده که الگوی بسیار دقیقی از نقش برجسته های تخت جمشید از دوره هخامنشی است. پس از آن یک ردیف گوزن خالدار و نقش گلدار وسط با رنگهای مختلف بافته شده است»<sup>۱</sup>

بنابر اظهار رودنکو کاشف این فرش و بسیاری از محققان؛ این فرش را ایرانیان بافته اند و احتمالاً به پادشاه سکایی هدیه داده شده و به عنوان یکی از اشیاء قیمتی و منحصر به فرد در گور این پادشاه به همراه او دفن شده و به علت یخ زدگی تا کنون سالم باقی مانده است» (همان). بنابراین با توجه به محتوای فرش مذکور می توان حدس زد که این فرش در زمان هخامنشیان بافته شده است.

#### دوره اشکانی

بدیهی است که در زمان اشکانیان نیز فرش بافی رونق فراوانی داشته است. کشف زیلویی مربوط به قرن هشتم میلادی در شهر باستانی قومس دال بر این حقانیت است. مهمترین قطعه کشف شده در شهر قومس قطعه منسوجی است پرزدار به صورت فرفری شکل. البته تکه پرزدار و فردار دیگری از حفاری های منطقه حسئلوی ایران به دست آمده است که خیلی قدیمی تر و متعلق به ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح است. ولی شاید نتوان آن را فرش قلمداد کرد. از لحاظ ساختار و اسلوب بافندگی تمه فرش شهر قومس دارای پرزهایی است که به طور ساده تارها را در میان گرفته است. این تکه در دانشگاه پنسیلوانیا نگهداری می شود.

۱- ابوذری، شریف زاده. (۱۳۷۸). میراث فرهنگی و هنری ایران. تهران: مدرسه.

### دوره ساسانی

یکی دیگر از فرش‌های معروف که در دوران ساسانی بافته شده و اثری از آن در دست نیست و تنها در برخی از متون تاریخی ذکری از آن شده و از آن جمله ابوجعفر محمد طبری در کتاب خود از آن یاد کرده است «فرش بهارستان» است که بنا بر منابع مکتوب حدود ۴۰۰ متر مساحت داشته و در طاق کسری در قصر تیسفون نگهداری می شده است (همان). گفته شده است که قالی مذکور را خسرو انوشیروان برای سرسرای کاخ ساسانی در تیسفون سفارش داده بود. بر اساس نوشته مورخان پس از حمله اعراب و تسخیر مدائن این قالی به دست اعراب افتاد و قطعه قطعه شد

### قرون اولیه اسلامی

پس از ظهور اسلام نیز در منابع مکتوب اشاراتی به قالی و مناطق قالیبافی در ایران شده است و از شهرهای مناطق شمال غربی؛ خوزستان و فارس به عنوان مراکز عمده تولید فرش نام برده شده است. تعدادی از قالی‌های دوره سلجوقی هم اکنون در موزه استانبول نگهداری می شود. که این قالی‌ها در قرن هفتم هجری برای مسجد علاءالدین در شهر قونیه بافته شده است. صنعت قالی در دوره ایلخانی و دوره تیموری هم با فراز و نشیب زیاد ادامه می یابد و برای اولین بار از دوره تیموری بافت قالی بر اساس نقشه متداول می شود.

### دوره صفوی

دوران صفویه؛ دوران تحول و شکوفایی در برخی از هنرهای بومی و سنتی ایران و تقویت نقش هنرمندان و صاحبان ذوق و قریحه است. تا پیش از دوره صفوی هنر قالی بافی در اکثر نقاط ایران به قالی‌های غیر شهری و غیر رسمی و عمدتاً ایلیاتی و در درجه دو و سه محدود می شد و تنها برای دربار سلاطین که از قالی‌های نفیس و فاخر پوشیده می شد؛ کارگاه‌های مقطعی و موقت قالی رسمی و درباری

برپا می گردید. شاهان صفوی که بعضاً همچون شاه اسماعیل و شاه طهماسب خود هنرمند بودند سعی زیادی در رشد و شکوفایی هنرها و به ویژه قالی و معماری و هنر نساجی و هنرهای وابسته به آنها داشتند و این امر را به عنوان مکمل فرایند تقویت و قدرت نفوذ خود در داخل و خارج مورد توجه قرار دادند. «در خصوص هنر قالی بافی به طور عمده این حرکت از دوران حکومت شاه طهماسب که حکومتی طولانی داشت آغاز شد. او که بر اساس برخی از گزارش‌ها در طراحی و رنگرزی قالی نیز دستی داشت؛ با حمایت از هنرمندان قالی؛ به رواج قالی های نفیس و طرح‌های گردان اعم از قالی مخمل کمک زیادی کرد؛ در این زمان این قبیل قالی‌ها در چند نقطه مشهور کاشان؛ هرات؛ تبریز؛ کرمان؛ جزین و مشهد بافته می شد. همچنین در این دوره با اهداء قالی های نفیس ایرانی به سلاطین همسایه توسط شاه طهماسب موجبات معرفی قالی ایران به دیگر کشورها را فراهم گردید»<sup>۱</sup>

اما زیباترین و بهترین و در حقیقت برجسته ترین قالی های ایران؛ این هنر ملی از دوران صفوی به جای مانده است. دوران صفوی؛ دوران طلایی هنر ایران است که به



لحاظ فضای حاکم و رشد سریع و تحولات اجتماعی در جهان و ایران آن زمان و هم به دلیل نگاه و نگرش شهریاران صفوی به مقوله هنر و هنرپروری و این‌که بعضی از ایشان همچون شاه طهماسب و بهرام میرزا خود هنرمندان (خطاط و نقاش) قابل بودند؛ به شکوفایی بی نظیری رسید.

در دوران صفوی انواع هنرهای بومی ایران به خصوص قالیبافی و فلزکاری به رشد چشم گیری رسید. و مراکز مهم قالیبافی و کارگاه های کوچک و بزرگ در جای جای ایران

۱- فریه، ر. دبلیو. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: پژوهش فرزانه روز، ص ۱۳۷.

## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۶۷

همچون تبریز، کاشان، همدان، اصفهان، هرات و... دایر شد. و طرح‌های زیبای این هنر ملی توسط معروف‌ترین نگارگران این دوره طراحی می‌شد. قالی‌هایی با طرح ترنجی و حیوانی، طرح شکارگاه، طرح نقوش اسلیمی و ختایی و طرح‌های محرابی و... البته باید گفت یکی از دلایل برجسته شدن قالی ایرانی در این دوره حمایت و توجه شاهان صفوی همچون شاه عباس کبیر به این هنر است.

اکثر قالی‌های بافته شده در دوره صفوی در موزه‌های جهان نگهداری می‌شوند و تنها یک قطعه فرش از دوره صفوی در موزه فرش ایران نگهداری می‌شود و مابقی در موزه‌هایی چون «ویکتوریا و آلبرت لندن»، «پولدی پزولی میلان»، «متروپلیتن نیویورک»... نگهداری می‌شوند.<sup>۱</sup>

معروف‌ترین قالی دوره صفوی، قالی مقبره شیخ صفی در اردبیل است که در موزه لندن نگهداری می‌شود و بر طبق کتیبه آن توسط «مقصود کاشانی» و با طرح «لچک و ترنج مرکزی» و شاخ و برگ‌های اسلیمی و ختایی بافته شده است. از دیگر فرش‌های معروف دوره صفوی می‌توان به فرش شکارگاه موزه وین اشاره داشت. (تصویر فرش شیخ صفی).

همان‌طور که می‌دانیم در دوران صفوی «مذهب» نقش مهمی در روند مطالعه فرهنگ و هنر داشت. در این دوران متون خطی مصور؛ بناهای معماری و مصنوعات هنری همگی بازگوکننده عناصر شیعی بودند که از ویژگی‌های این عصر به شمار می‌رود.<sup>۲</sup> هنر قالی بافی نیز از این عناصر بی‌بهره نبود و در بسیاری از کتیبه‌های قالی‌های این دوران عناصر شیعی همچون نام مبارک پیامبر (ص) و علی (ع) و ائمه اطهار (ع) و نیز نام جلاله الله؛ احادیث و روایات شیعی؛ معراج حضرت رسول (ص) را شاهد هستیم. که به اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم. اگر چه قالی‌های باقی مانده از دوران صفویه قابل ملاحظه و زیاد است. اما تعداد قالی‌های دارای کتیبه

۱- ابوذری، شریف زاده. (۱۳۷۸). میراث فرهنگی و هنری ایران. تهران: مدرسه، ص ۲۵.

۲- شریعت، زهرا. (۱۳۸۶). همان، ص ۴۵.



مذهبی و به خصوص قرآنی بسیار محدود تر می باشد. در زیر به چند مورد که متناسب با موضوع و محتوای تحقیق می باشد اشاره می کنیم.

### قالی تمام ابریشم، ترنج دار زربافت

این قالی در دوره صفوی بافته و هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می شود.



«ترنج قهوه ای رنگ وسط قالی مانند حوضی است که چهار غاز و دوازده اردک در آن مشغول شننا هستند. اطراف ترنج را درختچه ها و شاخ و برگها و گل‌های زیبایی احاطه کرده اند که پرندگان رنگی مانند طوطی، قمری و هزاردستان روی شاخه های آن در جست و خیزند و هشت آهو به طور متقارن در طرفین ترنج مشغول چرا می باشند. رنگ پرندگان در نیمه دوم

قالی نخودی است و حاشیه مادر از نظر کتیبه بندی شباهت زیادی به قالی اردبیل دارد. تقارن لازم در گوشه های قالی رعایت شده است»<sup>۱</sup>. «در دورتادور قالی ده کتیبه با زمینه لاک‌ی دیده می شود که حاوی پنج بیت شعر در وصف معراج رسول اکرم (ص) است»<sup>۲</sup>. به عقیده خشکبایی، این ابیات مختص این قالی و برای گرامی داشت پیغمبر اسلام (ص) سروده شده و از این جهت از کم نظیرترین قالی های زمان صفوی است:

ای بر دوشک سپهر جایست	قالیچه چرخ زیر پایست
چون بر دوشک نعت [۱] تو را جاست	خورشیدی و چارمین فلک راست
قالیچه نشین چرخ چارم	در زیلوی چارگوشه ات گم
آراسته ات رکاب اجلال	قالیچه فتح و عز و اقبال
تا هست جهان جهان ترا	بر مسند دولت بقا باد

۱- خشکبایی، رضا. (۱۳۷۸). *ادب و عرفان در قالی ایران*. تهران: سروش، ص ۱۶.

۲- همان، ص ۱۶.

مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۶۹

احتمال دارد این قالی با الهام از مینیاتور معراج رسول اکرم (ص) که از آثار استاد سلطان محمد، نقاش بزرگ دوران صفویه و از بدیع ترین نقاشی های این دوره است بافته شده باشد.<sup>۱</sup>

### قالیچه جانمازی زربفت

این قالیچه که هم اکنون در موزه متروپلی تن نیویورک نگهداری می شود حدوداً ۳۵ سال بعد از قالی اردبیل بافته شده و مربوط به دوره صفویه است. «گل و بوته و سایر نقوش حاشیه های باریک درونی و همچنین اسلیمی و ختاییهای حاشیه بزرگ؛ نشان می دهند که به احتمال زیاد در تبریز بافته شده و مانند فرش اردبیل کار بافندگان کاشانی در کارگاه سلطنتی تبریز است. این جانمازی از نظر شیوه کار و طرح اصیل ایرانی و اسلامی آن از بهترین و بی نظیرترین جانمازیهای عصر صفویه است. شرح ظرایف آن بسیار زیاد و نیاز به بررسی از نزدیک و توضیح بیشتر دارد»<sup>۲</sup>

الف: در حاشیه های بزرگ قسمت بالایی قالیچه با خط زیبایی ثلث آیه ۲۵۶ سوره بقره به نام آیت الکرسی در سه کتیبه به شرح زیر پیاده شده است. در کتیبه اول سمت راست:

«الله لا اله الا هو الحي القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم  
له ما فى السموات». در کتیبه دوم قسمت بالا: «و ما فى  
الارض من ذالذی یشفع عنده الا باذنه یعلم ما بین ایدیهما  
و ما خلفهم و لا یحیطون بشیء من». و در کتیبه سوم



سمت چپ: «علمه الا بماشاء وسع کرسیه السموات و الارض و لا یؤده حفظهما و هو العلی العظیم».

ب: در چهار گوشه قسمت بالایی قالیچه؛ چهار مربع هر کدام در یک دایره جا داده شده که حاوی جمله: لا اله الا محمد رسول الله علی ولی الله است.

۱- خشکبایی، رضا. همان، ص ۱۶.

۲- همان، صص ۱۸-۱۹.

ج: در متن قالیچه؛ از نصف به بالا؛ در ۲۴ قسمت متقارن اسامی متعدد و مبارک خداوند قادر متعال با رنگهای مختلف نوشته شده است. مانند:

الرؤف الغفور؛ القوی المتین؛ حی القيوم؛ الباقي الوارث.

الاحد الاكمل؛ الکریم المجید؛ الحق الوکیل؛ الرشید الصبور

د: کتیبه سر محراب حاوی این نوشته است: الله اکبر کبیراً [کبیراً]

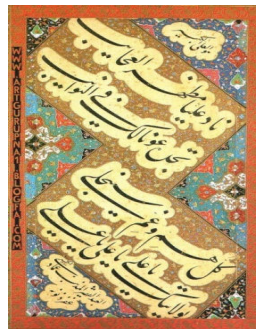
ه: در حاشیه باریک بیرونی قالیچه، آیه های ۲۸۵-۲۸۶ از سوره بقره آمده است که مشابه آیاتی است که در حاشیه بیرونی جانمازی موزه ملی ایران نقل شده است. با این توضیح که از نظر رنگ و شیوه خط با هم متفاوتند: «امن الرسول بما انزل الیه من ربه و المؤمنون کل امن با الله و الملائکته و...»

در حاشیه باریک سبز رنگ اطراف متن که اغلب رفو شده با خط نسخ سفید رنگ آیات ۲۰۳ - ۲۰۵ از سوره اعراف بافته شده است: «و اذا قرى القرآن فاستمعوا له و انصتوا لعلکم ترحمون و ذکر...».

در دور تا دور محراب قالیچه که حالت گنبد دارد چنین خوانده می شود «لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله» و کلماتی که عبارتند از «العلیم - العظیم - الغفور - الشکور - الحظ»<sup>۱</sup>

### سیر تاریخی نقاشی (نگارگری)

تحولات هنر تصویری ایران از روزگار پیشا تاریخی آغاز شد و در طی زمان و با پشت سرگذشتن مراحل و ادوار مختلف به رشد و تکامل و پختگی رسید تا جایی که در دوره اسلامی و به خصوص دوره تیموری و صفوی به دوران طلایی خویش رسید. قطعاً اگر بخواهیم وارد سیر تاریخی هنر تصویری و نقاشی ایران شویم و تطور نقاشی



۱- خشکبایی، رضا. همان، ص ۱۹.

در دوران پیشاتاریخی و تاریخی را به بحث بنشینیم از حوصله این مقاله و موضوع مورد بحث خارج می‌شویم. چرا که موضوع مورد بحث ما مکاتب نگارگری دوران اسلامی و به خصوص مکتب نگارگری دوران صفوی است. لذا بهتر آن دیده شد که تطور تاریخی نگارگری یا نقاشی سنتی کشورمان را از ابتدای ورود اسلام به ایران آغاز کنیم. فرهنگ و هنر کهن ایرانی با حمله اعراب و با شکست ساسانیان نه تنها از میان نرفت بلکه به نیروی معنوی اسلام دوران بالندگی نوینی را آغاز کرد. چنین بود که سنت‌های هنری پیشین در ایران اسلامی ادامه یافتند و نتایج تازه و گوناگونی را پدید آوردند. «ایران خاوری- خاستگاه ادبیات فارسی دری- سرنوشت نقاشی ایرانی را رقم زد. فردوسی از این خطه برخاست و شاهنامه او که عصاره فرهنگ گذشته را در خود داشت؛ هم مایه اصلی نقاشی قرون بعد را فراهم کرد و هم عاملی برای بقای سنتها شد»<sup>۱</sup>. نگارگری یکی از هنرهای درخشان ایرانیان در دوره اسلامی است. نگاره‌های ایرانی منابعی هستند که ویژگی‌های انسانی، اجتماعی و هنری ادوار مختلف را بازتاب می‌دهند و محققان و پژوهش‌گران می‌توانند با مطالعه در آن‌ها به تشخیص، تبیین و تفسیر این ویژگی‌ها بپردازند و به کمک داده‌ها کمبودهای اطلاعاتی در زمینه‌های مذکور را جبران نمایند<sup>۲</sup>. «آنچه هنر نگارگری ایرانی را در حد کمال و نهایت جمال به عنوان دری‌گرانها و درخشان بر تارک تمدن و هنر اسلامی می‌نشانند همانی است که در محتوای آن نهفته و از ورای زیبایی‌های صوری و تجسمی آن قابل دریافت است. اگر نگارگری ایرانی همچون سایر وجوه هنری (که جایگاهی رفیع در تمدن و هنر بشریت یافته اند) به چنین شوکت و جمالی رسیده؛ به لحاظ محتوا و رموز معنوی آن بوده است»<sup>۳</sup>. هنر نگارگری نیز معرف فرهنگ و تمدن غنی ایرانی

۱- پاکباز، رویین. (۱۳۸۴). *نقاشی ایرانی*. تهران: فرزانه پژوهش، ص ۴۸.

۲- نوری شادمهانی، رضا. (۱۳۸۵). *عناصر ساختاری و تزئیناتی حمام در نگاره‌ای از کمال‌الدین بهزاد*. ماه هنر. شماره ۱۰۱-۱۰۲.

۳- شایسته فر، مهناز؛ کیایی، تاجی. (۱۳۸۳). *بررسی معماری موجود در نگاره‌های دوران تیموری و صفوی*. دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی. شماره ۱، ص ۱۲۷.

- اسلامی است. هنری که ریشه در اعتقادات، سنن مذهبی و باور دینی ایرانیان دارد. هنری سرشار از زیبایی های نهفته در ذهن و در پس پرده طبیعت؛ که با دستن توان نگارگران ایرانی جلوه ای فاخر و ماندگار از آن در تمدن اسلامی به جا مانده است.

#### دوره امویان

خلفای اموی در ساختن و آراستن کاخها؛ استفاده از اشیاء گرانبها و حتی در ضرب سکه های مقلد پادشاهان ساسانی بودند. به همین علت است که انعکاس مستقیم هنر ایرانی پیشا اسلامی را مثلاً در دیوارنگارهای قصر الحیره غربی [در دمشق] می توان دید. این نقاشی ها در حدود ۱۱۲/۳۰ ه. ق اجرا شده اند. همچنین در میان نقاشیهای قصر عمره [در اردن کنونی] به مجلسی بر می خوریم که در آن «شش شخصیت مهم با لباس های زرنگار و در نهایت شکوه و جلال نمایانده شده است به عقیده هرتسفلد این مجلس تقلیدی از یک نمونه کهن تر عصر ساسانی است که در آن چهره پادشاهان جهان که به سلام خسرو پرویز آمده اند نگاشته بوده است»<sup>۱</sup>

#### دوره عباسیان - مکتب بغداد (عباسی)

پس از عهد امویان؛ سهم ایرانی در تکوین هنر اسلامی برتری یافت. بزرگان ایرانی از موقعیتی خاص در دستگاه خلافت عباسی برخوردار شدند. احتمالاً هنرمندان ایرانی در ساختن و آراستن کاخهای عباسیان مشارکت فعال داشتند. بنابراین حضور عنصر ایرانی در نقاشی عصر عباسی امری طبیعی بود و مصداق آن را دیوارنگاره های کاخی در سامره موسوم به «جوسق الخاقانی» می توان یافت. این نقاشی ها به ربع اول قرن سوم متعلق اند و از قدیم ترین آثار تصویری عباسیان به شمار می آیند. «یکی از نقاشی های کاخ مذکور که به

---

۱- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۲). نقاشی ایرانی از کهن ترین روزگار تا دوران صفویه. تهران. اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، ص ۶۶.

## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۷۳

شیوه دو بُعدی تصویر شده است؛ زنی را نشان می دهد که گوساله ای بر دوش دارد؛ موضوع این نقاشی احتمالاً به داستان بهرام و فتنه مربوط می شود.

در طرز بازنمایی زن با چهره ای تمام رخ؛ نقوش لباس و رنگ آن نیز سنت ایرانی را می توان تشخیص داد. علاوه بر این نقش مایه های جانوری و گیاهی گوناگونی که در تزئین این کاخ بکار رفته اند عموماً با هنر ساسانی پیوند دارند<sup>۱</sup>. همزمان با خلافت عباسیان حکومت های مستقل محلی در گوشه و کنار ایران پیدا شدند. دولتهایی همچون سامانیان و آل بویه که ایرانی بودند. در عهد سامانیان (۳۸۹-۲۶۱ ه.ق) شهرهای بخارا و سمرقند به کانون های فرهنگی فعال در ماوراءالنهر بدل شدند و در برابر بغداد- مرکز خلافت عباسی اهمیت بسیار کسب کردند. احتمالاً در این زمان کتاب نگاری رواج داشته است. چنان که گفته شده است یکی از امیران سامانی نقاشان چینی را به کار مصور کردن متن منظومه کلیله و دمنه گماشته بود.

دیوارنگاره های مکشوف در حوالی نیشابور و نیز سفالینه های منقوش نیشابور به همین دوره تعلق دارند. در این آثار الگوهای آسیای میانه و ساسانی به چشم می خورند که حاکی از علاقه فرمانروایان سامانی به احیای میراث بومی و ملی است. خاطر نشان میشود که در مکتب بغداد علاوه بر ترجمه متون مختلف در حوزه های گوناگون همچون طب؛ نجوم و فلسفه و... کتاب هایی چند به تصویر در آمدند که از آن جمله می توان به مقامات حریری (۳۳۴ ه.ق)؛ کلیله و دمنه (۵۷۶ ه.ق)؛ داروشناسی دیسقوریدوس (۶۱۹ ه.ق)؛ التریاق و رساله اخوان الصفا اشاره کرد.

### مکتب سلجوقی

دوره فرمانروایی سلجوقیان (۵۵۲-۵۲۸ ه.ق) یکی از مهمترین ادوار تاریخی هنر اسلامی و ادبیات فارسی بود. در این دوره خمسه نظامی سروده شد و معماری و فلزکاری و سفالگری به اوج خود رسیدند. «با آن که به احتمال قوی گونه های

۱- پاکباز. (۱۳۸۴). همان، ص ۴۹.

مختلف هنر تصویری نیز در عهد سلجوقی رواج داشته؛ فقط چند قطعه نقاشی دیواری و معدود نسخه مصور از آن زمان بر جای مانده اند که اطلاعات کافی در این زمینه به دست نمی دهند. در عوض از نقاشی‌های روی سفالینه‌ها و به خصوص ظروف موسوم به مینایی می توان به خصوصیات هنر تصویری عهد سلجوقی پی برد. اگر چه سفالینه نگاران در نواحی مرکزی ایران و عمدتاً در شهر کاشان فعالیت می کردند؛ سخت تحت تأثیر سنت‌های هنری خاوری - خصوصاً سنت مانوی - بودند<sup>۱</sup>.

«نگارگری دوره سلجوقی که به دلیل ویرانگری‌های بعدی مغولان فقط معدودی از نمونه‌های آن باقی است؛ نظیر قالب‌های دیگر هنری این دوره به شدت تزئینی و دارای ویژگی‌های شبیه مشخصه‌های نقاشی روی سفالینه‌هاست. در این دوره نظامی شاعر معروف «خمسه» خود را سرود که در ادوار بعد الگویی برای نگارگری ایران گردید<sup>۲</sup>». از این دوران که می توان تاریخ آن را از ۴۲۹ تا ۵۹۰ ه.ق دانست تنها کتاب مصور فارسی که به یقین متعلق به عهد سلجوقی است نسخه «ورقه و گلشاه» یک منظومه عاشقانه از عیوقی است. این نسخه با ۷۱ نقاشی کوچک افقی صحنه‌های مختلف داستان را به ترتیبی خاص اراده می دهد. تصویرگر و شاید خوشنویس این نسخه هنرمند ایرانی موسوم به مومن محمد خویی بوده که به نظر در نیمه نخست سده هفتم در آذربایجان فعالیت داشته است.

#### مکتب مغول (ایلخانی) - تبریز

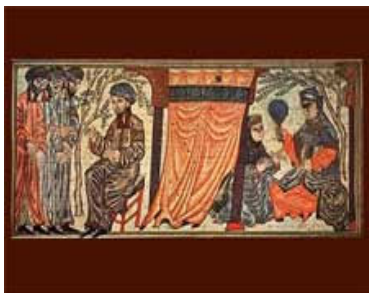
استیلاي مغول بر ایران نقطه عطفی در تاریخ نقاشی این سرزمین بود. از اواخر سده هفتم هجری فرایند دیگری از اقتباس‌ها و ابداعات آغاز شد. هنر نگارگری در سده‌های هشتم تا دهم مدارج کمال را پیمود و سرانجام در سده یازدهم از پویندگی بازماند. در خلال این چهار قرن مغولان (ایلخانان و جلایریان)؛ اینجویان؛ مظفریان؛

۱- پاکباز. (۱۳۸۴). همان، ص ۵۵.

۲- ملکی، توکا. (۱۳۸۷). سیری در نگارگری ایران (مکتبها؛ آثار و...). ماه هنر. شماره ۱۲۶، ص ۷۳.

مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۷۵

تیموریان؛ ترکمنان (قره قویونلو و آق قویونلو)؛ ازبکان بر بخش‌هایی از ایران بزرگ فرمان راندند و در کارگاه‌های سلطنتی آنان بود که نقاشان عمدتاً به کار تصویر کردن



کتب گماشته شدند. با رواج کتاب‌نگاری در دربارها محدودیتی در کارکرد اجتماعی نقاشی پدید آمد؛ اما در عوض عرصه مضامین و بیان هنری وسعت بیشتری یافت. به گزاف نیست اگر بگوییم که نگارگری این دوران به سبب پیوندش با شعر فارسی چنین شکوفا شد.

«حکومت ایلخانیان دو نتیجه مهم برای نقاشی ایران داشت: یکی انتقال سنت‌های هنر چینی به ایران که منبع الهام تازه برای نگارگران شد و دیگری بنیان‌گذاری نوعی هنرپروری که سنت کار گروهی هنرمندان در کتابخانه - کارگاه سلطنتی را پدید آورد. در محیط فرهنگی جدید فعالیت نقاشان در عرصه کتاب‌نگاری وسعتی قابل ملاحظه یافت. کوشش آنان بیش از پیش معطوف شد به حل مشک ناهم‌خوانی سنت‌ها و تأثیرات مختلف هنری و بلندپروازی یا علاقه‌مندی حامیان نیز آنان را در رسیدن به این هدف یاری کرد. تداوم این وضع در زمان اینجویان؛ مظفریان و جلاپریان به شکل‌گیری یک سبک نومایه در نگارگری ایرانی انجامید»<sup>۱</sup>

تحت حمایت ایلخانان کتاب‌نگاری در زمینه‌های علمی و تاریخی رونق گرفت. برخی متون قدیم چون شاهنامه فردوسی نیز به سفارش آنان بازنویسی و مصور شدند. کارگاه‌های تولید نسخه‌های مصور

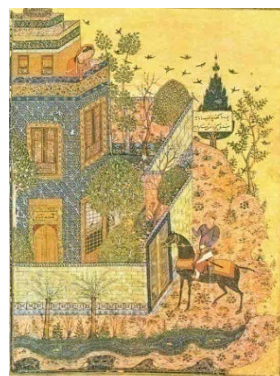


عمدتاً در مراغه و تبریز (پایتخت غازان خان) قرار داشتند. قدیمی‌ترین نسخه مصور

۱- پاکباز، رویین. (۱۳۸۴). همان، ص ۶۰.



بر جای مانده از عهد ایلخانی ترجمه فارسی منافع الحيوان ابن بختیشوع است که به دستور غازان خان در مراغه تدوین شد (۶۸۹ ه.ق). در همین زمان خواجه رشید الدین فضل الله همدانی (وزیر غازان خان و الجایتو) شهرکی به نام ربع رشیدی با ساختمان‌های زیبا و کارگاه‌های منظم در نزدیکی تبریز بنا کرد و محققان و هنرمندان ایرانی و خارجی را در آنجا گرد آورد. انگیزه اصلی این اقدام تألیف کتابی مصور درباره سرگذشت ملل مختلف و از جمله مغولان بود. بدین ترتیب با همکاری گروه‌های مختلف و زیر نظر مستقیم رشید الدین مجموعه سترگ «جامع التواریخ» تکوین یافت که از نسخه‌های متعدد آن فقط بخش‌های ناقصی را در دست داریم



از دیگر محصولات کارگاه‌های تبریز یک شاهنامه مصور بزرگ اندازه بود که امروزه به نام کسی که آن را در اوایل سده بیستم تصاحب کرد به «شاهنامه دموت» مشهور است. «در تصاویر نسخه‌های جامع التواریخ از اسلوب هاشورزنی نقاشان چینی دوره تانگ بسیار استفاده شده است و قلمگیری‌های زمخت و نحوه جامه پردازی مشخصاً بین النهرینی است»<sup>۱</sup>. «در شاهنامه دموت عناصر چینی و ایرانی در کنار هم ظاهر می‌شوند؛ مناظر طبیعی که با رنگ‌های کم‌رنگ کشیده شده؛ به سبک نقاشی چینی و تصاویر اشخاص و لباس‌ها که با رنگ‌های پر رنگ کشیده شده اند به سبک ایرانی است»<sup>۲</sup>. از نقاشان به نام این دوره می‌توان به احمد موسی اشاره داشت که در دستگاه ابوسعید بهادر واپسین سلطان ایلخانی کار می‌کرده است. ابوسعیدنامه؛ کلیله و دمنه؛ معراج نامه و تاریخ چنگیزی از جمله کتاب‌هایی است که او مصور کرده است.

۱- پاکباز، روین. همان، ص ۶۱.

۲- ملکی، توکا. (۱۳۸۷). همان، ص ۷۴.

### مکتب دوم بغداد (دوره آل جلایر)

در میانه سده هشتم و در پی حاکمیت جلایریان بر قلمرو ایلخانان؛ بغداد دوباره به یکی از مراکز هنری فعال و پایتخت زمستانه آل جلایر بدل شد ولی مسیری متفاوت از مکتب بغداد عباسی را دنبال کرد. بدین سان؛ روند تجربیاتی که از اوایل سده هشتم آغاز شده بود در بغداد و تحت حمایت سلطان احمد جلایر به انجام رسید که نتیجه نهایی را در تصاویر نسخه «دیوان خواجه کرمانی» (۷۹۹ ه.ق) می توان دید. بخشی از این دیوان به مثنوی عاشقانه «همای و همایون» اختصاص دارد. نگاره های این داستان که قسمتی از آن همکنون در کتابخانه بریتانیا نگهداری می شود یکی از زیباترین نگاره های تاریخ نقاشی ایرانی است. «یکی از نگاره ها نسخه مزبور امضای «جنید السلطانی» دارد که مؤید مقام معتبر جنید در دربار سلطان احمد است. تا آنجا که می دانیم این قدیمی ترین اثر مرقوم یک نقاش ایرانی است. به احتمال قوی اغلب مجالس این نسخه توسط جنید و یا دست کم زیر نظر او اجرا شده اند»<sup>۱</sup>

### مکتب هرات (دوره تیموری)

«چندی پس از مرگ تیمور (۸۰۷ ه.ق)؛ پسر و جانشینان او به نام شاهرخ هرات را مرکز قلمرو خویش قرار داد و در آنجا به مدت چهل و دو سال فرمانروایی کرد. شاهرخ کارگاهی برپا کرد و نقاشانی را به کار مصور سازی متون تاریخی گماشت. تصاویر نسخه های زمان او شیوه نگارگری عهد ایلخانی را به یاد می آورند. زیرا الگوی غالب آنها جامع التواریخ رشید الدین بود. یک نسخه منحصر به فرد از کتاب معراج نامه به زبان ترکی اوغوری نیز در دوره حکومت شاهرخ مصور

۱- پاکباز، روین. (۱۳۸۴). همان، ص ۶۶.

شد (۸۴۰.ق).<sup>۱</sup> سه پسر شاهرخ به نام‌های؛ بایسنقر، ابراهیم سلطان و الغ بیگ نیز به ترتیب کارگاه‌های خود را در هرات، شیراز و سمرقند برپا کردند. ولی پیش از اینها نواده دیگر تیمور به نام اسکندر سلطان برجسته‌ترین هنرمندان زمان را در شیراز گرد آورد و به یاری آنان بود که گام نخست در تحول «کتاب نگاری عهد تیموری» برداشته شد. نگارگران اسکندر سلطان چندین جنگ متشکل از متون فارسی و عربی را برای او تصویر کردند. درگیری‌های اسکندر سلطان با شاهرخ تیموری به سرنگونی او انجامید و در نتیجه بسیاری از نقاشان دربار شیراز به هرات کوچیدند. دیری نگذشت که شاهرخ یکی از پسرانش با نام ابراهیم سلطان را به فرمانروایی فارس منصوب کرد و تحت حمایت حاکم جدید تحول دیگری در سبک نگارگری شیراز آغاز شد. هنر پروری خاندان تیموری بیش از شیراز در هرات جلوه نمود. بایسنقر میرزا پس از آن‌که به فرمان شاهرخ حکومت هرات را به دست گرفت کتابخانه و کارگاه سلطنتی خود را در این شهر برپا کرد. او که شاهزاده خوش ذوق و با استعداد و هنرپروری فرهیخته بود و برجسته‌ترین استادان زمان را از سراسر ایران در دربار خویش گرد آورد. در میان اینان؛ نام‌هایی چون «جعفر تبریزی»؛ خوشنویس و سرپرست کتابخانه؛ «قوام الدین مجلد و مُذهِب»؛ «پیراحمد باغشمالی»؛ «امیر[میر] خلیل» و «خواجه غیاث الدین» را می‌شناسیم. سلیقه ممتاز بایسنقر و مهارت کم نظیر این استادان در بهترین نمونه‌های کتاب نگاری سده نهم ه.ق متجلی شد که از آن میان می‌توان به شاهکار این دوران یعنی «شاهنامه بایسنقری» (۸۳۳.ق) اشاره داشت. این شاهنامه در قطع رحلی و ۷۰۰ صفحه دارد و در خرداد سال ۱۳۸۶ شمسی در حافظه جهانی ثبت شد.

با مرگ بایسنقر (۸۳۸.ق) کارگاه او یکسره از فعالیت بازماند (اگرچه احتمالاً برخی از هنرمندان و صنعت‌گران این کارگاه به دربار الغ بیگ در سمرقند رفتند و یا به

۱- پاکباز، رویین. همان، ص ۷۱.

مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / **نایب پژوهی** ۱۷۹

حامیان ترکمن روی آوردند. هرات پس از مرگ شاهرخ (۸۵۰ ه.ق) تا آغاز سلطنت سلطان حسین بایقرا (۸۷۳ ه.ق)؛ یک دوره اغتشاش سیاسی و رکود هنری را گذراند. از زمانی که سلطان حسین بایقرا در هرات بر تخت نشست؛ شعر و موسیقی؛ نگارگری و دیوارنگاری؛ معماری و باغسازی و انواع هنرهای دیگر رونقی تازه یافتند. هرات در خلال ۳۸ سال پادشاهی سلطان حسین بایقرا دوره دیگری از شکوفایی فرهنگی را تجربه کرد. شاه که خود در شعر طبع می‌آزمود ادیبان و هنروران را بسیار ارج می‌نهاد. اما بی‌شک اعتلای فرهنگی این دوره مرهون شخصیت و اقدامات «میر علیشیر نوایی» وزیر و خزانه دار سلطان بود. او به ترکی و فارسی شعر می‌سرود و گویا در نقاشی هم دست داشت. عبدالرحمان جامی شاعر و صوفی نامدار نیز در این عهد می‌زیست. به همت و حمایت نوایی برجسته‌ترین شخصیت‌های ادبی و هنری و حتی تاریخی همچون «محمد میرخواند» (مورخ)؛ «حسین واعظ کاشفی» (ادیب)؛ «سلطانعلی مشهدی» (خطاط)؛ «کمال الدین بهزاد» (نقاش) و «یاری» (مذهب) در محفلی گرد هم آمدند و برجسته‌ترین شاهکارها را خلق نمودند. در این جو روشن‌فکرانه بود که مکتب نگارگری هرات از نو درخشید.

#### مکتب ترکمنان

بررسی نقاشی ایران در سده نهم بدون در نظر گرفتن جریانهای موازی در قلمرو ترکمنان ناقص خواهد بود. در نیمه نخست این قرن دو قوم ترکمن آق قویونلو و قره قویونلو نواحی باختری ایران را به تصرف خود درآوردند. ابتدا حکام قره قویونلو قدرت بیشتری یافتند و تبریز را پایتخت خود قرار دادند؛ سپس امیران آق قویونلو تا اوایل سده دهم هجری بر سراسر ایران بجز خراسان مسلط شدند. «ترکمنان به پیروی از تیموریان در تبریز و بغداد و شیراز کارگاههای سلطنتی برپا کردند و هنرمندان محلی و غیر محلی را به خدمت گرفتند. شیراز در زمان ترکمنان صاحب سبک کتاب نگاری غیر درباری شد که به آن سبک «تجارتی» شیراز می‌گفتند. رابینسن؛ نگارگری

به نام «فرهاد» را واضح این سبک می داند. وی همان نگارگری است که با همکاری دستیارانش یک نسخه « خاوران نامه» را مصور کرده است (حدود ۵۸۱ ه.ق).<sup>۱</sup> در مکتب ترکمنان و بخصوص در تبریز می توان از حضور هنرمندان نگارگری همچون « شیخی» و «درویش محمد» نام برد.

### مکتب صفوی [تبریز]

تا کنون شاهد تأثیر وقایع مهم سیاسی بر روند تحولات نقاشی ایران بوده ایم. دیدیم که چگونه دست به دست گشتن مراکز حکومتی غالباً با جابه جایی هنرمندان و هم آمیزی سنتهای هنری توأم بوده است. بر همین روال؛ شاه اسماعیل اول صفوی با تشکیل دولت واحد در ایران امکان تلفیق مهمترین سبکهای نگارگری پیشین را فراهم ساخت. در کارگاه جدید تبریز و تحت حمایت شاه طهماسب اول صفوی بود که نگارگری ایرانی کاملترین جلوه هایش را نشان داد.



«شاه اسماعیل اول صفوی تبریز را به پایتختی خود برگزید و هنرمندان کارگاه یعقوب بیگ آق قویونلو را به خدمت گرفت. در ۱۰ نگاره ای که به سفارش او بر نسخه یاد شده خمسه نظامی (۸۸۶-۸۸۰ ه.ق) افزوده شد؛ عناصر واپسین سبک عهد ترکمنان غلبه دارند. در این نگاره ها همان پیکره های آرام گرفته در طبیعت رؤیایی را می توان بازشناخت با این تفاوت که مردها کلاه و عمامه قزلباش بر سر گذاشته اند.»<sup>۲</sup> در آغاز حکومت صفویان گروه نسبتاً بزرگی از نگارگران در تبریز به شیوه ترکمنی کار می کرده اند و سلطان محمد نقاش برجسته دوره صفوی و رئیس کتابخانه شاه طهماسب نیز یکی از آنان بوده است» (همان). بسیاری از محققین و

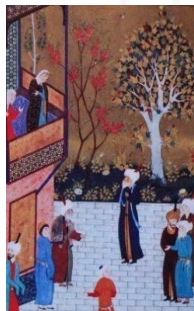
۱- پاکباز، رویین. همان، ص ۷۷.

۲- همان، ص ۸۶.

## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۸۱

پژوهشگران به این نتیجه رسیده اند که هرات در اواخر سلطنت شاه اسماعیل و اوایل پادشاهی شاه طهماسب مرکز اصلی کتاب نگاری صفویان بوده است. بهزاد در آن سالها هنوز در هرات اقامت داشته و کارگاه این شهر را اداره می کرده است. نسخه هایی چون ظفرنامه (۹۳۵ه.ق) و خمسه نظامی (۹۳۱ه.ق) زیر نظر او و با همکاری شاگردانی چون شیخ زاده و قاسم علی تصویر شده اند.

باری از هم آمیزی سنت های باختری (تبریز) و خاوری (هرات) سبک اصیل و کاملی بوجود آمد که درخشان ترین نمودهای آن را در «شاهنامه طهماسبی» و نسخه مهم دیگری به نام «خمسه طهماسبی» (۹۵۰-۹۴۶ه.ق) می توان دید. به نظر می رسد که سلطان محمد نقشی ویژه در این تلفیق داشته است. یکی از نگاره های او در شاهنامه یاد شده «بارگاه کیومرث» است که نقطه اوج میان دو سنت و دو مکتب نامبرده است (تصویر مقابل بخشی از نگاره است). در زیر تصاویر دیگری از شاهنامه مذکور که در حقیقت تکامل نقاشی ایرانی در سده دهم هجری است آورده شده است.



با انتقال پایتخت صفویان به قزوین (۹۵۵ ه.ق) دوران شکوفایی مکتب تبریز به پایان رسید. اکنون شاه طهماسب شماری از نقاشان دربار را به کار تزئین کاخ چهل ستون قزوین گماشت. «گویا خود او نیز در دیوارنگاری این کاخ شرکت کرد». اما کمی

بعد تر او یکسره از هنر و هنرپروری روی برگردانید. این مسئله نقاشان کارگاه سلطنتی را در موقعیتی دشوار قرار داد. ظاهراً سلطان محمد سالخورده برای همیشه

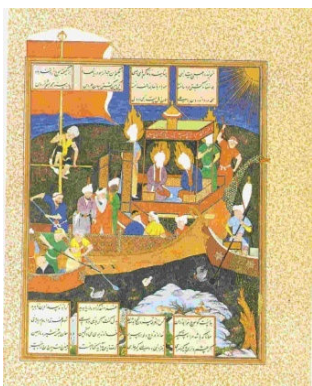
---

۱- غالباً علت رویگردانی شاه طهماسب از هنر را توبه او از مناهی می دانند. او از کودکی به هنر خوشنویسی و نقاشی علاقه داشت. از استادانی چون بهزاد و سلطان محمد تعلیم گرفت. در خلال دو دهه حامی پر شور هنرمندان بود شخصاً به نقاشی و خطاطی می پرداخت ولی هرگز نتوانست اثری همتراز آثار هنرمندان دربارش پدید آورد. احتمالاً سرخوردگی ناشی از عدم موفقیت هنری در رویگردانی او از هنر بی تأثیر نبوده است.

قلم مو را زمین گذاشت؛ میرمصور؛ می‌رسید علی؛ عبدالصمد و چند تن دیگر به هند رفتند. و دیگر هنرمندان نیز در پایتخت مانده یا به شهرهای دیگر و به کارهای متفرقه پرداختند.

### مکتب اصفهان

با شروع سلطنت شاه عباس اول (۹۹۶ ه.ق) هنر نگارگری ایرانی وارد دنیا و



جریان تازه ای شده بود که چندی قبل از آن شروع شده بود. تحولات سیاسی - تجاری و فرهنگی و ارتباط با ملل مختلف اروپایی و باز شدن پای اروپاییان و طبعاً نقاشان ایشان به ایران و همچنین عدم حمایت دربار از کارگاههای سلطنتی و روی آوردن هنرمندان نگارگر به نقاشیهای تک برگی و فردی و زیاد شدن سفارشات خصوصی به هنرمندان همگی باعث شد که سبک و

سیاق نگارگری سنتی و نقاشی بی نظیر ایرانی که از دوران سلجوقی شروع شده بود و به اوج خود در دوران شاه طهماسب رسیده بود؛ از اواسط دوران صفوی رو به سقوط و نزول رفت به طوری که در دوران شاه عباس کارگاههای سلطنتی از بین رفته بودند و نقاشی فرنگی و رنگ و روغنی جای آن را گرفت.

در مکتب اصفهان نگارگران و نقاشان بیشتر به سبک های جدید کار می کردند و به ندرت نقاشی بود که سبک و سیاق گذشته را به پیش برد؛ در این خصوص می توان از نگارگر معروف دوران عباسی؛ «رضا عباسی» و شاگردش «معین مصور» نام برد.

در اینجا سیر تاریخی نگارگری تمام می شود. و می پردازیم به نمود و بازتاب مذهب در نگارگری دوره صفوی. در دوره صفوی همان طور که پیشتر گفته شد

مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۸۳

عصر مذهب به کرات در هنر عصر صفوی همچون نگارگری جلوه نموده است. برای نمونه به چند نگاره اشاره می‌کنیم.

نگاره اول: کشتی اهل بیت (کشتی شیعه)؛ برگی از شاهنامه طهماسبی؛ مکتب تبریز (صفوی)

«در آغاز شاهنامه فردوسی شاعر، عقاید فلسفی و باورهای مذهبی خود را تشریح می‌کند. در این جا شاعر تمثیلی از مسافران محکوم به فنا را که سوار بر هفتاد کشتی هستند و هفتاد نوع کشتی بشری را حمل می‌کند؛ می‌آورد»<sup>۱</sup> با توجه به سخن ولج «سیاهان افریقایی؛ چینی‌ها و اروپاییان در بین مسافران و خدمه کشتی دیده می‌شوند. بزرگترین و زیباترین کشتی؛ خاندان مقدس شیعه را حمل می‌کند و برای این کشتی فردوسی در این نسخه از شعر که به جهت یک سفارش دهنده شیعی تهیه شده است مفرد و در واقع رسیدن به ساحل نجات را به ثبت رسانده است. تمام فرقه‌ها و مذاهب که فردوسی شاعر آن‌ها را هفتاد نوع تخمین زده است به دریای ابدیت می‌پیوندند و تنها شیعیان در سلامت و امن به ساحل نجات خواهند رسید. در این نگاره پیامبر (ص)؛ امام علی (ع) و دو شخصیت دیگر که احتمالاً امام دوم و سوم (ع) را نشان می‌دهند؛ همگی با هاله‌ای از نور و روشنایی به تصویر کشیده شده‌اند. آن‌ها دستار معروف صفوی را به سر دارند»<sup>۲</sup>. «پیامبر (ص) و امام علی (ع) در زیر سایبان کشتی نشسته‌اند و امام حسن و امام حسین (ع) در دو سمت کشتی ایستاده‌اند. در گوشه سمت راست تصویر خورشید نور افشان می‌تواند به عنوان نماد درخشش قوانین اسلام در نظر گرفته شود که آسمان تیره و تاریکی را روشنایی می‌بخشد. این نقاشی در میان اولین کارهای میرزا علی پسر سلطان محمد و معاصر شاه

۱- شایسته فر، مهناز؛ بهزادی، مهران. (۱۳۸۳). بررسی نام مبارک حضرت علی (ع) بر روی هنرهای کاربردی در دوره های صفویه و قاجاریه در موزه ملی ایران. دوفصلنامه هنر اسلامی. شماره ۱، ص ۴۸.

۲- welch, s.c: Royal Persian Courts, New York, ۱۹۹۲: p۸۴



طهماسب در نظر گرفته می شود که تحت نظارت بهزاد کار شده است. این مسأله بر ارتباط حضرت علی (ع) و اهل بیت با پیامبر (ص) تأکید می ورزد و بر حقانیت شیعه در جهان اسلام گواهی می دهد<sup>۱</sup>

#### نگاره دوم: معراج پیامبر - اثر سلطان محمد عراقی - مکتب صفوی

«در بینش شیعی؛ فیض مطلوب انسان کامل در وجود حضرت رسول (ص) متبلور می شود و پس از او این موهبت در وجود انبیاء و اولیا و سپس بسته به گنجایش و توانایی هر کس در هر فرد راه می یابد» (شرح گلشن راز؛ لاهیجی؛).



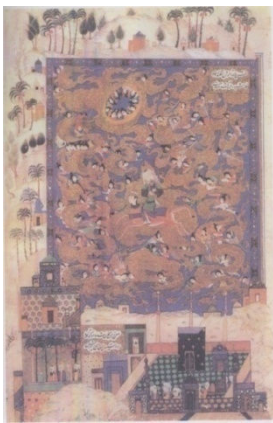
«در جست و جوی «ابعاد معنوی» یک اثر هنری، در دوران صفوی نزدیک ترین پاسخ را شاید بتوانیم در اثری یگانه و درخشان، یعنی در نقاشی «معراج حضرت رسول» اثر سلطان محمد نقاش بیابیم. نگارگری «معراج حضرت رسول» از درخشان ترین نمونه های تاریخ نگارگری ایران است و بی شک، در میان بهترین نگارگریهای قرن دهم هجری قمری ایران که خود دوره ای منحصر به فرد در این هنر بی همانند است؛ قرار دارد. در این اثر، تصویر پیامبر که صورت

مبارکش با نقاب سپیدی پوشیده شده است، سوار بر براق و در میان خیل کروبیان - پانزده فرشته - نمایانده شده است و جبرئیل در حال راهنمایی، پیشاپیش براق در پرواز است «معراج حضرت رسول» اثر سلطان محمد نقاش نمونه کامل و شایسته ای است از یک اثر مذهبی و معنوی که در عین حال، به تمام سنت نگارگری ایران وفادار و وابسته است. در این شاهکار منحصر به فرد، از تمامی عناصر زمینی و خاکی استفاده شده است تا اثری کاملاً فرازمینی به وجود آید و سعی هنرمند در تصویرگری

۱- شایسته فر، مهناز؛ بهزادی، مهران. (۱۳۸۳). همان، ص ۱۴۸.

هرچند ناقص و محدود او - و یا هر هنرمند دیگری - طرحی از عامل قدس، به حد کمالی که مقدور انسان است منجر شده است. نگارگری «معراج حضرت رسول» اثر سلطان محمد نقاش، نشانه توفیق عظیم و سربلندی او در این چالش است که حاصلش چونان گوهری بر تارک نگارگری ششصد ساله ایرانی می درخشد و تا جست و جوی انسان در ایصال به ملکوت ادامه دارد، ادامه خواهد داشت.

نگاره سوم: عروج پیامبر اکرم (ص) - برگی از نسخه خمسه نظامی (مکتب تبریز-صفوی)



«این نگاره مربوط به دوره شاه اسماعیل اول است. چهره ها هنوز حالت ترکمانی خود را حفظ کرده اند. شهر مکه محصور در میان تپه های کوچک و بزرگ است و با شکوه و جلال خودنمایی می کند. با این که در این نگاره معماری حالت واقع گرایانه کاملی ندارد؛ با این همه سبک حدودی معماری خانه کعبه و معماری اطراف آن را (شهر مکه) در آن زمان را می توان حدس زد. البته با این امکان که نگارگر صفوی بعضی سبک ها و تزئینات مربوط به معماری خود را در آن بکار برده باشد. از جمله کاشی های معرق هندسی (در این دور هنوز کاشیکاری هفت رنگ رایج نشده بود)<sup>۱</sup>

«خانه های پراکنده در نخلستان ها حکایت از معماری سبک دار و اشرافی دارد. بعضی گنبدها شیاردار (به سبک تیموری) و برخی حالت مارپیچ است که نظیر آن در گنبدهای شرق دنیای اسلام کمتر دیده می شود» (همان).

۱- شایسته فر، مهناز؛ کیایی، تاجی. (۱۳۸۳). بررسی معماری موجود در نگاره های دوران تیموری و صفوی. دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی. شماره ۱، ص ۷۹.

از آن‌چه در این کنکاش آورده شد می‌توان این چنین نتیجه گرفت که همان‌طور که گفته شد در زمان دودمان صفوی به لحاظ ایدئولوژی و فرهنگ حاکم بر جامعه آن زمان طبعاً هنر آن دوره نیز از این تفکر و اندیشه حاکم استثنا نیست و بازتاب فراوانی را از نمود مذهب تشیع به عنوان مذهب رسمی و عناصر مذهبی دیگر همچون احادیث و روایات و کلمات قصار از قرآن؛ پیامبر و ائمه اطهار - به خصوص شخص حضرت امیر (ع) را شاهد و گواهییم.

#### کتابنامه

- ابوذری، شریف زاده. (۱۳۷۸). میراث فرهنگی و هنری ایران. تهران: مدرسه.
- آذرتاش، آذرنوش. کتابخانه دیجیتال دایره‌المعاف بزرگ اسلامی.
- افروغ، عماد. (۱۳۸۴). هویت ایرانی. مجموعه سخنرانی.
- تجویدی، اکبر. (۱۳۵۲). نقاشی ایرانی از کهن ترین روزگار تا دوران صفویه. تهران: اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر.
- پاکباز، رویین. (۱۳۸۴). نقاشی ایرانی. تهران: فرزانه پژوهش.
- حسینی، سید هاشم / طاووسی، محمود. (۱۳۸۵). تحول هنر کتیبه نگاری عصر صفوی با توجه به کتیبه های صفوی مجموعه حرم مطهر امام رضا(ع). کتاب ماه هنر. شماره ۹۲-۹۱.
- خزایی، محمد؛ طبسی، محسن. (۱۳۸۳). صورت و معنا در نقاشی قهوه خانه. کاشیکاری با موضوع عاشورا. دوفصلنامه هنر اسلامی. شماره اول.
- خشکبایی، رضا. (۱۳۷۸). ادب و عرفان در قالی ایران. تهران: سروش.
- دیماند، س.م. (۱۳۶۵). راهنمای صنایع اسلامی. ترجمه عبدا... فریار. بی‌جا: نشر علمی - فرهنگی.
- راهجیری، علی. پیدایش خط و خوشنویسی اسلامی. بی‌جا: انتشارات انجمن خوشنویسان ایران.
- رامیار، محمود. (۱۳۶۲). تاریخ قرآن. چ دوم. تهران: سپهد.

## مفاهیم مذهبی در هنر عصر صفوی با نگاهی تاریخی / تاریخ پژوهی ۱۸۷

- زکی، محمد حسن. (۱۳۷۷). *هنر ایران*. ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی. انتشارات صدای معاصر. سیوری، راجر. (۱۳۷۲). *ایران عصر صفوی*. ترجمه کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- سیوری، راجر. (۱۳۶۳). *ایران عصر صفوی*. مترجم کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.
- شایسته فر، مهناز؛ کیایی، تاجی. (۱۳۸۳). *بررسی معماری موجود در نگاره های دوران تیموری صفوی*. دوفصلنامه مطالعات هنر اسلامی. شماره ۱.
- شایسته فر، مهناز. (۱۳۷۹). *رابطه نگارگری و مذهب در دوره تیموری و اوایل صفوی*. فصلنامه مدرس.
- شایسته فر، مهناز/بهزادی، مهران. (۱۳۸۳). *بررسی نام مبارک حضرت علی(ع) بر روی هنرهای کاربردی در دوره های صفویه و قاجاریه در موزه ملی ایران*. دوفصلنامه هنر اسلامی. شماره ۱.
- شمیل، آنه ماری. *خوشنویسی و فرهنگ اسلامی*. مترجم اسد الله آزاد. انتشارات آستان قدس رضوی.
- شریف، میرمحمد. (۱۳۸۲). *هنرهای اسلامی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- صفت گل، منصور. (۱۳۸۱). *ساختار نهاد و اندیشه دینی در ایران عصر صفوی*. نشر مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- فریه، ردبلیو. (۱۳۷۴). *درباره هنرهای ایران*. مترجم پرویز مرزبان. نشر فرزانه.
- کولن، ارنست. (۱۳۷۶). *هنر اسلامی*. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی.
- ملکی، توکا. (۱۳۸۷). *سیری در نگارگری ایران (مکتبها؛ آثار و...)*. ماه هنر. شماره ۱۲۶.
- نوری شادمهانی، رضا. (۱۳۸۵). *عناصر ساختاری و تزئیناتی حمام در نگاره ای از کمال الدین بهزاد*. ماه هنر. شماره ۱۰۲-۱۰۱.
- همایون فرخ، رکن الدین. (۱۳۸۴). *سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان*. انتشارات اساطیر.
- همایش بین المللی سلطان محمد. (۱۳۸۳). تبریز.
- فراست، مریم. (۱۳۸۶). *بررسی مضامین و خط نگاره های شمعاندانها و قنديل های دوره صفوی*. موزه ملی. دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی.
- فریه، ردبلیو. (۱۳۷۴). *هنرهای ایران*. ترجمه پرویز مرزبان. تهران: پژوهش فرزانه روز.

۱۸۸ تاریخ پژوهی سال چهاردهم - بهار ۱۳۹۱ - شماره ۵۰

شریعت، زهرا. (۱۳۸۶). حضور نمادین امام علی در خط نگاره های فلزکاری صغویه و قاجاریه. دو فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات هنر اسلامی.

welch,s.c:Royal Persian Courts,NewYork,۱۹۹۲.

shayestefar,mahnaz,shiah Artistic Elements in the timurid and the early safavid periods: book ulustiations and inscriptions,london,institute of Islamic studies,۱۹۹۹.

hunt for paradise court arts of safavid iran ۱۵۰۱-۱۵۷۵ edited by jon

Thompson and Sheila r.canby .

asia society museum,new York ۱۵ october ۲۰۰۳-۱۸ january۲۰۰۴ .

